

# عليه مالکیت فکری

سرشناسه	: کینسلا، ان. استفن، ۱۹۶۵-م.
عنوان و نام پدیدآور	: Kinsella, N. Stephan, 1965 علیه مالکیت فکری / استیفن کینسلا؛ ترجمه محمد جوادی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	: ۱۹۰ ص؛
شابک	: 978-622-7326-47-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: . Against intellectual property.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۳ - ۱۳۵.
موضوع	: مالکیت معنوی -- Intellectual property
شناسه افزوده	: جوادی، محمد، ۱۳۶۲ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: K1۴۰۱
رده‌بندی دیویی	: ۰۴۸/۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۵۸۱۳۶

# علیه مالکیت فکری

استفن کینسلا

ترجمه: محمد جوادی



نشرآماره

© Nashr-e-Amareh, MMXXII



عنوان کتاب: علیه مالکیت فکری	Title: Against intellectual property
نویسنده: استفن کینسلا	by Kinsella, N. Stephan
ترجمه: محمد جوادی	Translator: M. Javadi
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۶-۴۷-۵	ISBN: 978-622-7326-47-5
نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۱	The 1 <sup>st</sup> Edition Published: 2022
تیراژ: ۳۰۰ نسخه	Circulation: 300 impression
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.	No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh Press)
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.	The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press)
© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است.	© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh Press

---

دفتر نشر، پخش و فروش آماره: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین،

پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۴۳۹۱-۸۷۶-۰۹۳۶

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

[www.nashreamareh.ir](http://www.nashreamareh.ir)

تقدیم به

رسول قنبری



## فهرست مطالب

۹	مقدمه نویسنده برای مخاطبان فارسی زبان
۳۱	مقدمه مترجم
۵۳	حقوق مالکیت: ملموس و ناملموس
۵۹	فصل اول: خلاصه‌ای از حقوق مالکیت فکری
۵۹	انواع دارایی‌های فکری
۶۲	کپی‌رایت
۶۳	حق ثبت اختراع
۶۵	اسرار تجاری
۶۷	نشان تجاری
۷۳	حقوق دارایی‌های فکری و ربط آن به دارایی ملموس
۷۵	فصل دوم: چشم‌انداز دارایی‌های فکری در لیبرتارینیسم
۷۵	طیفی از دیدگاه‌ها
۸۶	دفاع مطلوبیت‌گرایان از دارایی‌های فکری
۹۴	مسائلی پیرامون حقوق طبیعی
۱۰۷	فصل سوم: دارایی‌های فکری و حقوق مالکیت
۱۰۷	دارایی و کمیابی
۱۱۴	کمیابی و ایده‌ها
۱۲۴	خلاقیت و کمیابی
۱۳۸	دو نوع تصاحب
۱۴۵	فصل چهارم: دارایی‌های فکری به‌مثابه قرارداد
۱۴۵	محدودیت‌های قراردادهای
۱۵۰	قراردادها و حقوق محفوظ
۱۶۵	کپی‌رایت و حق ثبت اختراع

- اسرار تجاری..... ۱۶۷
- نشان تجاری..... ۱۷۰
- نتیجه گیری..... ۱۷۳
- پیوست..... ۱۷۵
- منابع و مآخذ..... ۱۷۹



## مقدمه نویسنده

### برای مخاطبان فارسی زبان

نگارش کتاب «علیه مالکیت فکری» به مقاله‌ای برمی‌گردد که در سال ۲۰۰۱ در مجله مطالعات لیبرتارین منتشر شد.<sup>۱</sup> در آن روزها نسبت به امروز علاقه کمتری به موضوع مالکیت فکری نزد لیبرتارین‌ها مشاهده می‌شد. لیبرتارین‌ها روی موضوعاتی نظیر مالیات‌ها، جنگ، بانکداری مرکزی، جنگ مواد مخدر، آموزش دولتی، مصادره اموال و دارایی‌ها، مقررات‌گذاری کسب‌وکارها، آزادی‌های مدنی و نظایر این‌ها متمرکز بودند و علاقه چندانی به حق ثبت اختراع و کپی‌رایت نشان نمی‌دادند.

هیچ دلیلی نداشتم که فکر کنم این موضوع بسیار مهم است، گرچه در تمام دوران تحصیل در دانشکده حقوق یکی از مشغولیت‌های ذهنی من بود اما مباحث لیبرتارین‌ها در مورد مالکیت فکری هرگز مرا متقاعد نمی‌کرد. به عنوان مثال، مقاله کوتاه آین رند در مورد حق ثبت اختراع و کپی‌رایت شامل بحث ملالت‌باری بود که می‌خواست نشان دهد چرا اعطای حق ثبت اختراع برای هفده سال و اعطای کپی‌رایت تا پنجاه سال پس از

مرگ مؤلف کاملاً منطقی است.<sup>۲</sup> وی همچنین به طرز سردرگم کننده‌ای استدلال کرده است که چرا ادارهٔ حق ثبت اختراع باید انحصار اختراع را به فردی اعطا کند که آن اختراع را حتی یک روز زودتر از فرد دیگری که مستقلاً به همان اختراع دست یافته است، ثبت کرده است.<sup>۳</sup>

این مباحث نمی‌توانستند مرا متقاعد کنند و به نظر می‌رسید با سایر جنبه‌های تئوری‌های لیبرتارین و حقوق فردی سازگار نیستند. معتقد بودم رویکرد آین رند نادرست است یا دست کم ناقص است، زیرا زمان انقضای حقوق مالکیت طبیعی را نمی‌توان دلبخواهی تعیین کرد یا آن را بر اساس مقررات گذاری کم و زیاد کرد، اما با این حال هنوز تصور می‌کردم حقوق مالکیت فکری باید به نوعی مشروع باشند. در عین حال که به تئوری‌های لیبرتارین هر چه بیشتر علاقمند می‌شدم (نخستین مقاله‌ام در سال ۱۹۹۲ منتشر شد) و هر چه که بیشتر تحصیلات و تجربیات حقوقی خودم روی حقوق مالکیت فکری متمرکز می‌شدم (در سال ۱۹۹۳)، فکر می‌کردم شاید بتوانم بهتر از سایر لیبرتارین‌هایی که تا آن روز از حقوق مالکیت فکری نوشته بودند، از آن دفاع کنم. بنابراین رفتم سراغ شخم‌زدن ادبیات موضوع تا راهی پیدا کنم که بتوان از بن‌بست‌ها خارج شد و حقوق مالکیت فکری را توجیه کرد. هر استدلالی که به ذهنم می‌رسید به اندازهٔ استدلال آین رند ناقص و متزلزل بود.

در پژوهش‌هایم با انتقاداتی که لیبرتاریین‌ها در مورد حقوق مالکیت فکری ایراد کرده بودند مواجه شدم<sup>۶</sup> و همچنین درک خودم از نقش اساسی «کمیابی» در مورد حقوق مالکیت را (همان‌طور که مورد تأکید هانس هرمان هوپه هم بوده است) عمیق‌تر کردم<sup>۷</sup>. با مطالعه انتقادات قدیمی‌تری که از سوی بنجامین تاکر، ودنی مک‌الروی، سم کونکین (Sam Konkin) و تام پالمر مطرح شده بود، آغاز کردم و پذیرفتم که انتقادات آن‌ها کاملاً وارد است<sup>۸</sup>. همان اطمینان‌خاطری که هنگام تجدیدنظر از مینارشیسم به آنارشیسم احساس کرده بودم دوباره بر من مستولی شد و نهایتاً به این نتیجه رسیدم که حق ثبت اختراع و کپی‌رایت کاملاً توجیه‌ناپذیرند، و در واقع نوعی انحراف از اصول لیبرتاریین و حقوق مالکیت هستند که به دلیل مداخلات دولت رخ داده‌اند. از این‌که تلاش‌هایم با شکست مواجه شده بود تعجب نمی‌کردم؛ داشتم سعی می‌کردم چیزهایی را توجیه کنم که توجیه‌ناپذیر بودند!

می‌خواستم ابتدا بیان روشن‌تر و ملموس‌تری از نوشته‌های اندیشمندان پیشین به دست بدهم و سپس آن‌ها را توسعه دهم. از سال ۱۹۹۵ با گفتگوها و سخنرانی‌هایی که مخاطبان محدودی داشتند آغاز کردم و چند مقاله کوتاه نوشتم<sup>۹</sup>؛ لحن و بیانم بسیار محافظه‌کارانه بود و داشتم امتحان می‌کردم که چطور این موضوعات را بیان کنم که مخالفت علنی با قوانین مالکیت فکری به مسیری که تازه آغاز کرده بودم لطمه‌ای وارد نکند (و

خوشبختانه مشکلی ایجاد نشد. سپس متن بلندتری نوشتم تا بتوانم این بحث را از برنامه‌هایم کنار بگذارم و روی موضوعاتی دیگری که علاقه بیشتری به آن‌ها داشتم (نظیر نظریه حقوق، نظریه قراردادهای، علیت و سایر جنبه‌های حقوق و قانون لیبرترین) تمرکز کنم؛ «علیه مالکیت فکری» مولود آن متن است.<sup>۱۰</sup>

مقاله «مشروعیت مالکیت فکری» را در کنفرانس پژوهشگران اتریشی مؤسسه لودویگ فون میزس در مارس ۲۰۰۰ ارائه کردم. اگر درست به یاد داشته باشم، جورج ریسمن (که عینیت‌گرا بود) به دلیل تحسین زندگینامه آین رند نوشته باربارا براندن (Barbara Branden) از حلقه عینیت‌گرایان کنار گذاشته شده بود و پس از سال‌ها دوری دوباره به دوست قدیمی‌اش رالف ریکو (Ralph Raico) نزدیک شده بود. به یاد دارم ریسمن پس از ارائه مقاله از من پرسید (نقل به مضمون): «اجازه دهید بینم درست فهمیده‌ام، آیا می‌گویید همه قوانین حق ثبت اختراع و کپی‌رایت باید برچیده شوند؟». پاسخ دادم بله. او که به نظر می‌رسد بهت‌زده شده است به آرامی دور شد. به هر حال، مقاله را به مجله مطالعات لیبرترین ارسال کردم و به پیشنهاد پروفیسور هانس هرمان هوپه که (در آن زمان سردبیر آن مجله بود) با عنوان «علیه مالکیت فکری» منتشر شد.

همانطور که توضیح دادم لیبرترین‌ها قبل از توسعه روزافزون اینترنت علاقه چندانی به موضوع مالکیت فکری نشان نمی‌دادند، اما اوضاع این موضوع که تا آن روزها کاملاً مهجور بود تغییر

کرد. آرام آرام برخی افراد احساس می کردند اهمیت موضوع مالکیت فکری رو به تزاید است و لازم است بحث های دقیق تر و روشن تری در مورد حق ثبت اختراع و کپی رایت که تا آن زمان در سیطره و چنبره متخصصان باقی مانده بود، انجام شود. شاید بتوان از جایزه Alford III از سوی مؤسسه لودویگ فون میزس که در سال ۲۰۰۲ به این کتاب اعطا شد، به عنوان یکی از نخستین نشانه های علاقمندی لیبرترین های اتریشی به موضوع مالکیت فکری نام برد<sup>۱۱</sup>.

اینترنت سبب شد حقوق مالکیت فکری از زیر آوار تاریکی ها خارج شود. قدرت اینترنت (و بطور کلی تکنولوژی های مربوط به اطلاعات دیجیتالی، اشتراک گذاری فایل ها، رسانه های اجتماعی و سایر تکنولوژی های مرتبط با آنها نظیر تلفن های همراه، پیام رسان ها و دوربین های ویدئویی که به همه جا راه می یافتند) در حال افزایش بود و رفته رفته به یک نیروی اجتماعی بزرگ تبدیل می شد؛ اینترنت یکی از مهم ترین ابزارهایی بود که در خدمت مبارزه با دولت گرایی و حفظ و گسترش آزادی های فردی و رفاه بشر درآمد. فلذا دولت ها به همین دلیل در پوشش مبارزه با پورنوگرافی، قمار، تروریسم و همچنین اقدام علیه سرقت ادبی و حفاظت از کپی رایت به آن حمله کردند.

اینترنت به بزرگ ترین ماشین کپی جهان تبدیل شد؛ از یک سو، نقض کپی رایت افزایش چشمگیری یافت و نتیجتاً شکایت ها و محکومیت های قضایی مربوط به کپی رایت نیز به شدت رو به

تزیاید رفت. از سوی دیگر، اخبار رویدادها و تصمیمات مضحک، ظالمانه، تکان‌دهنده و ابلهانهٔ مربوط به کپی‌رایت که مایهٔ آزار و عصبانیت آحاد جامعه شده بود فوراً و به‌طور گسترده از طریق اینترنت مخابره می‌شد؛ مثلاً طرح دعوی حقوقی علیه دانشجویان و سایرین، برای به اشتراک گذاشتن تعدادی فایل موسیقی بالغ بر دریافت میلیون‌ها دلار بود<sup>۱۲</sup>. اما این شکایت‌های حقوقی و قضایی، دیگر زیر آوار تاریکی‌ها پنهان نبودند و کاربران اینترنت داشتند آگاه می‌شدند.

تعدی به حقوق افراد و سوء‌استفاده‌های ناشی از حق ثبت اختراع نیز به موازات رشد تکنولوژی و گردش مالی اینترنت رو به تزیاید گذاشت و به تدریج به وبلاگ‌ها و سرویس‌های آراس‌اس (RSS) نیز تسری یافت. افراد و بنگاه‌هایی که به‌طور سنتی مشغول کسب و کار تولید محتوا بودند و همیشه در برابر تکنولوژی‌های نوینی که روتین کسب و کار آن‌ها را به چالش می‌کشند مقاومت می‌کردند، به سراغ کنگره رفتند تا برای افزایش دامنهٔ شمول قوانین حق ثبت اختراع و کپی‌رایت (از جمله شرایط و مجازات‌ها و اجرای آن‌ها) لابی کنند<sup>۱۳</sup>؛ و در عین حال ایالات متحده سایر کشورها را تحت فشار قرار داد تا تصویب قوانین حقوق مالکیت فکری (و اجرای آن) را تقویت کنند<sup>۱۴</sup>. این تلاش‌ها با تصویب قوانین مبارزه با سرقت ادبی نظیر قانون مبارزه با سرقت ادبی آنالاین (SOPA) و قانون حافظت از حقوق مالکیت

فکری (PIPA) به اوج رسید؛ اما می‌توان گفت (دست‌کم امروزه) یک خیزش تاریخی اینترنتی آن‌ها را تقریباً کنار زده است.<sup>۱۵</sup> بعد از انتشار کتاب «علیه مالکیت فکری» در سال ۲۰۰۱، نوشته‌های زیادی از من و بسیاری دیگر در مورد مقوله‌ای که اصطلاحاً «قوانین مالکیت فکری» نامیده شده است، منتشر شده است.

در چند دهه اخیر، همان‌طور که شرح دادم مالکیت فکری به یک تهدید آشکارتر علیه حقوق مالکیت، آزادی بیان و اینترنت تبدیل شد و توجه طیف‌های مختلف لیبرترین (اعم از اُتریشی‌ها، آنارشویست‌ها، لیبرترین‌های چپ، لیبرترین‌های جامعه مدنی) به آن جلب شد. جوانان و سایر افرادی که وابستگی زیادی به اینترنت داشتند، به تدریج علاقه بیشتری به موضوع مالکیت فکری نشان دادند و بیش از پیش به استدلال‌هایی که علیه مالکیت فکری ایراد شده است گرایش پیدا کرده‌اند.<sup>۱۶</sup> امروزه لیبرترین‌های بیشتری به نوشتن (نوشته‌هایی که یا بر تحلیل‌های پیشین استوار هستند و یا آن‌ها را بسط داده‌اند) در مورد این موضوع مهم پیوسته‌اند؛ این نوشته‌ها یا اصلاح قوانین مالکیت فکری را در کانون خود دارند و یا الغای کامل آن‌ها را مطرح می‌کنند.<sup>۱۷</sup> افزون بر لیبرترین‌ها، امروزه جمع کثیری از اقتصاددانان، پژوهشگران تجربی، و محققین حقوقی نیز به این جریان پیوسته‌اند؛ به‌ویژه میشل بولدترین (Michele Boldrin) و دیوید لوین (David Levine) از جمله اقتصاددانانی هستند که در این

زمینه پیشگام بوده‌اند و با انتشار کتاب «علیه انحصار فکری (Against Intellectual Monopoly)» با رویکردی کاملاً تجربی تردید خود را نسبت ادعاهای هواداران قوانین مالکیت فکری در مورد اثرات مثبت حق ثبت اختراع و کپی‌رایت بر تشویق و توسعه نوآوری‌ها، ابراز کرده‌اند.<sup>۱۸</sup>

توجه نهادها، مؤسسات و رسانه‌های مختلف نیز به این موضوع جلب شد و تدوام یافت. شخصاً بارها در مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مناظره‌های زیادی شرکت کرده‌ام؛ از جمله شوی تلویزیونی Stossel و مناظره‌ای که Soho Forum با همکاری Reason.tv ترتیب داد<sup>۱۹</sup>؛ و همچنین یک دوره سخنرانی شش جلسه‌ای را در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در آکادمی میزس در مورد مالکیت فکری ارائه کردم<sup>۲۰</sup>، و همچنان در مورد این موضوع می‌نویسم.

بنظرم «علیه مالکیت فکری» به بلوغ رسید و روی پای خودش ایستاد؛ گرچه ممکن است بخواهم روی نکته خاصی بیشتر تأکید کنم یا عبارتی را از گوشه و کنار آن تغییر دهم. به عنوان مثال، شاید لازم باشد این موضوع را روشن‌تر بیان کنم که واژه «کمیابی» را باید با توجه مفهوم فنی اقتصادی آن در ارتباط با رقابت‌پذیری (rivalrousness) فهمید و تفسیر کرد. یا ممکن است برای توضیح روشن‌تر ماهیت منشأ اولیه حقوق مالکیت، بر استفاده از اصطلاح «تعارضات و منازعات» تأکید بیشتری داشته باشم تا استدلال‌های احمقانه‌ای نظیر «مالکیت فکری خوب توجیه‌پذیر است زیرا



ایده‌های مفید کمیاب هستند» را کنار بگذاریم<sup>۲۱</sup>. یا شاید از واژه‌های فیزیکی و جسمانی (corporeal) و مادی (material) به جای ملموس (tangible) استفاده کنم<sup>۲۲</sup>؛ و تلاش خواهم کرد که دقت کنم از اصطلاح دارایی (property) در مورد چیزی که متعلق به کسی است (و موضوع حقوق مالکیت است) استفاده نکنم، بلکه آن را فقط برای اشاره به رابطه بین مالک و چیزی که متعلق به اوست به کار ببرم<sup>۲۳</sup>. احتمالاً بخش اول کتاب که نوعی توصیف اثباتی و قانونی از اقسام مالکیت فکری ارائه می‌دهد را خلاصه خواهم کرد و پیوست کتاب که نمونه‌هایی از سوء استفاده‌های آشکار از مالکیت فکری ارائه می‌دهد را نیز حذف می‌کنم<sup>۲۴</sup>.

اما بنظرم به تغییرات اساسی نیاز ندارد؛ گرچه بیش از بیست سال از نخستین انتشار این کتاب گذشته است و طبعاً روش‌های بهتر و بیشتری (از جمله استدلال‌ها، مثال‌ها، شواهد و مستندات) برای تبیین مشکلات بنیادین مالکیت فکری پیدا کرده‌ام<sup>۲۵</sup>. بنابراین ممکن است نظیر کاری که در مقالاتی که بعد از انتشار این کتاب نوشته‌ام، مطالبی به آن بیفزایم<sup>۲۶</sup>. به عنوان مثال، کاملاً روشن شده است آن افرادی که بر اساس دلایل و مستندات تجربی در هواداری از مالکیت فکری بحث می‌کنند نتوانسته‌اند اثبات کنند که مالکیت فکری وضعیتی ما را بهتر می‌کند<sup>۲۷</sup>.

افزون بر این، متوجه شده‌ام که حقوق مالکیت فکری را می‌توان از مصادیق ارتفاق منفی (negative easements)

غیرتوافقی دانست، که به وضوح نشان می دهد چگونه حقوق مالکیتی که عادلانه حاصل شده‌اند را نقض می کنند<sup>۲۸</sup> [ارتفاق منفی به این معناست که مالک از بعضی تصرفات در ملک خود منع می شود؛ نظیر عدم احداث چاه یا بنا]. همچنین مطالب بیشتری در مورد مغالطه‌های «خلق گرایی» (creationism) پیروان جان لاک نوشته‌ام و توضیح داده‌ام که خلق و تولید (که مستلزم ایجاد تغییر و بازآرایی مواد هستند) منشأ ثروت هستند اما منشأ حقوق مالکیت نیستند<sup>۲۹</sup>. همچنین لازم است در مورد این که نظریه مالکیت کار از جان لاک (Labor theory of property) معیوب و نادرست است روشن‌گری بیشتری انجام شود و طبعاً نظریه ارزش کار (Labor theory of value) که ارتباط تنگاتنگی با آن دارد نیز باید بیشتر شکافته شود، و نهایتاً باید نشان داد که چگونه دو مقوله فوق‌الذکر سبب شده‌اند سردرگمی‌هایی ایجاد شود که حمایت از مفهوم مالکیت فکری را به دنبال می آورد<sup>۳۰</sup>؛ افزون بر این‌ها لازم است همه موضوعاتی که طی سال‌های گذشته مطرح کرده‌ام نیز با موارد فوق تلفیق شود تا یک رویکرد به روزرسانی شده فراهم شود<sup>۳۱</sup>.

شاید روزی این کار را انجام دهم و کتاب دیگری را بنویسم که بر بنیان «علیه مالکیت فکری» بنا شده باشد ولی در عین حال استدلال‌ها، مستندات و مثال‌های جدیدتری را در بر بگیرد، و شاید اسم کتاب را بگذارم «این کتاب را کپی کنید»<sup>۳۲</sup>. تا آن روز، افرادی که «علیه مالکیت فکری» را مطالعه می کنند می توانند به

پست وبلاگ c4sif با عنوان « Selected Supplementary Material for Against Intellectual Property » که در اول مارس سال ۲۰۱۲ نوشته‌ام و همهٔ مواردی که در این مقدمه بیان کردم را در برمی‌گیرد مراجعه کنند؛ این پست هر از گاهی به‌روز می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد آثار مختلفی که مورد اشاره قرار گرفت به [www.c4sif.org/resources](http://www.c4sif.org/resources) نگاه کنید؛ و البته شاید مطالبی که گاهی در [www.c4sif.org](http://www.c4sif.org) درج می‌شوند را شاید مفید بیاید.

استفن کینسلا

هوستون - فوریهٔ ۲۰۲۲

---

۱. کتاب «علیه مالکیت فکری» نخستین بار در سمپوزیومی ارائه شد به کاربردهای تئوری حقوق لیبرتارین اختصاص داشت و در مجلهٔ مطالعات لیبرتارین، شمارهٔ ۱۵، مجلد ۲ در بهار ۲۰۰۱ منتشر شد؛ و سپس به شکل یک ویژه‌نامه در سال ۲۰۰۸ از سوی مؤسسهٔ میزس به چاپ رسید و بار دیگر در سال ۲۰۱۲ از سوی کتاب‌های لسه‌فر [پی‌نوشت ۳۱ را ببینید] منتشر شد. مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد بر اساس مقالهٔ دیگری با عنوان «مشروعیت مالکیت فکری» بنا شده بود که در پِنل حقوق و اقتصاد کنفرانس پژوهشگران اقتصاد اُتریشی ارائه کرده بودم؛ این کنفرانس را مؤسسهٔ میزس در ۲۵ مارس ۲۰۰۰ در دانشگاه آوِبرون